

واکاوی عناصر منطق مقاومت در اندیشه و حیانی امام خامنه‌ای

سیدمالک خادمی^۱

چکیده

امام خامنه‌ای در انتهای سال ۱۳۹۷ و ابتدای سال ۱۳۹۸ (بیانیه گام دوم و سخنرانی سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی) از «مقاومت» به عنوان یکی از خصوصیت‌ها و عوامل برجسته «موفقیت» و «جاذبه» امام و نظام یاد کردند؛ ایشان در تبیین این مقاومت به برخی از شبهات و دشمنی‌ها اشاره کرده و از «منطق مقاومت و مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده آن» سخن گفتند؛ «واکاوی» و «تبیین منطقی بودن» (پشتوانه‌داری) عناصر مقاومت به هدف تقویت باورها و ایستادگی ملت‌ها ضروری است و گر نه دشمنان با ایجاد شبهه، مردم را از پایبندی به این راهبرد و خط اساسی در مسیر حکمرانی الهی باز می‌دارند.

این مقاله بر پایه الگو و دکرین مقاومت امامین انقلاب ترسیم شده و عناصر منطق مقاومت را با روش نقلی-و حیانی از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری گردآوری و به شکل توصیفی-تحلیلی پردازش کرده است؛ این عناصر در ۵ گام تبیین و تحلیل شده است: امکان مقاومت، طبیعت مقاومت، هزینه مقاومت، تأثیر مقاومت و نتیجه مقاومت. بر پایه آیات و روایات فراوانی، مقاومت در برابر استکبار با تکیه بر اصل و شعار «ما می‌توانیم» امکان دارد؛ مقاومت، «واکنش طبیعی» هر انسان آزاد و ملت آزاده‌ای در برابر تحمیل (زورگویی) است؛ «هزینه‌ی سازش و تسلیم» به مراتب بیشتر از هزینه‌ی مقاومت و تسلیم‌ناپذیری است؛ مقاومت برخلاف تسلیم، موجب «عقب‌نشینی دشمن» خواهد شد و در پایان «پیروزی نهایی بر دشمن» بدست خواهد آمد.

کلیدواژه: منطق مقاومت، عناصر مقاومت، امکان مقاومت، آثار مقاومت، هزینه تسلیم و سازش، مقاومت از دیدگاه امام خامنه‌ای، مقاومت در آیات و روایات.

^۱ . طلبه سطح چهار حوزه علمیه قم، Malek2@mailfa.com.

درآمد

در مقدمه، ۳ مطلب بیان خواهد شد: مسأله، پیشینه و نوآوری.

۱- بیان مسأله

منطق مقاومت از گفتمان‌های ریشه‌ای آفرینش است و همه موجودات بر پایه این منطق، حرکت و رشد می‌کنند و اگر این منطق نبود، موجودات از حیات عزتمندانه بلکه اصل حیات محروم بودند؛ با این حال افرادی هستند که از این منطق غفلت کرده و تن به سازش و تسلیم می‌دهند البته سازش و تسلیم برابر حق، منطقی است ولی برابر باطل، غیرمنطقی است و این باید به درستی بیان شود تا از فریب و غفلت دیگران جلوگیری شود و سبب هوشیاری و بیداری ملت‌ها شود؛ در این مقاله به دنبال شناخت و واکاوی (تبیین و تحلیل) عناصر منطق مقاومت از دیدگاه «امام مقاومت» (امام خامنه‌ای) هستیم.

۲- بیان پیشینه و ضرورت

بیان پیشینه پس از بیان مسئله جهت گرفتن مجوز تحقیق لازم است؛ پس از جستجو در میان پژوهش‌های انجام شده در موضوع «عناصر منطق مقاومت در اندیشه و حیانی امام خامنه‌ای»، به ۳ شکل پژوهش مواجه می‌شویم: عام و خاص و اخص؛ با توجه به بررسی پیشینه‌های پژوهشی به این نتیجه رسیدیم که پژوهش درباره واکاوی عناصر ۵گانه از چند جهت ضروری و مهم است.

۱) عناصر پنج‌گانه منطق مقاومت مورد واکاوی و دسته‌بندی قرار نگرفته است؛ ادله کمی برای این منطق بیان شده است و شبهات زیادی نسبت به منطقی بودن مقاومت در حال طراحی و انتشار است؛ مردم آگاهی کمتری از پشتوانه و نتیجه آن دارند؛ از آثار شناخت این منطق، مقاومت گسترده‌تر و پذیرفتنی‌تر شدن مقاومت است.

۲) ضرورت مقاومت بر دوستان: اگر عناصر منطق مقاومت در جامعه تبیین و تحلیل نشود، برخی -مانند منافقان و مرجفون و مؤمنان سست و ضعیف- که «ناتوان از مبارزه با نفس و دشمن دورنی» هستند و خود را «ناتوان از مبارزه با دشمنان بیرونی» می‌بینند، سبب «عدم مقاومت» یا «مانع مقاومت» دیگران می‌شوند؛ پس ضمن واکاوی این عناصر و اطلاع‌رسانی عمومی، باید در برابر چنین انسان‌های به ظاهر

دوست و همسایه و هم‌دین نیز ایستادگی کرد و آنان را به مقاومت بر باورها و برنامه‌های دینی و تجربه‌ها، آگاه و وادار کرد تا توانایی‌های ذاتی خود را بازیابند و تن به سازش و تسلیم ندهند.

۳) ضرورت شناخت دشمنان و نقشه‌های آنان: استکبار جهانی مانند آمریکا و انگلیس و اسرائیل و مزدوران و وابستگان آنان همواره بر ضدّ مسلمانان و کشورهای آزادی‌خواه جهان، توطئه کرده‌اند؛ آنان با بی‌منطق و بی‌ارزش و بی‌ثمر نشان دادن اندیشه مقاومت، ایستادگی ملّت‌ها را شکسته و نهایت بی‌رحمی را با ظلم و خیانت، غصب و غارت، قتل و جنایت، نشان داده‌اند؛ پس شناخت و نشر این منطق ضروری است.

جدول شماره (۱): پیشینه پژوهشی.

منابع	ارزیابی
کتاب «مقاومت در اسلام» نظریه و الگو» از اصغر اختری	در این کتاب ۴ عنصر برای مقاومت بیان شده است: عامل یا بازیگر مهاجم، بازیگر هدف، اقدام و محیط؛ ایشان عوامل مؤثر در شکل‌گیری مقاومت و معنای آن را بیان کرده‌اند که برای تحقق یک مقاومت این ۴ عنصر نقش دارند.
منبع	ارزیابی
مقاله «مبانی قرآنی و روایی مقاومت در کلام مقام معظم رهبری مدظلّه العالی» از غلامحسین اعرابی (۱۳۹۹)	در این مقاله به برخی از مبانی مقاومت مانند ایمان و بصیرت و صبر و عزم پرداخته شده است و اشاره‌ای به عناصر ۵ گانه نشده است.
مقاله «مبانی و منطقی مقاومت و استکبارستیزی جمهوری اسلامی» از علی مجتبی‌زاده (۱۴۰۰).	در این مقاله به برخی از مبانی منطقی مقاومت (طبیعت فطری و عقلی و دینی + هزینه مقاومت و سازش) توجه شده است؛ اشاره‌ای به عناصر ۵ گانه نشده است.
جزوه «تبیین منطقی مقاومت» از سید محمدحسین راجی (۱۴۰۳)	بیانگر مقابله ایران و حزب‌الله لبنان در برابر آمریکا و اسرائیل است و اشاره‌ای به ۵ عنصر مورد بحث نکرده‌اند.
مقاله «عناصر استحکام بخش سازمانی در فقه مقاومت یا تأکید بر اندیشه رهبر معظم انقلاب» از سید علی‌اصغر علوی (۱۴۰۳)	در این مقاله، عناصر به انسانی مانند ایمان و عزم و سازمانی مانند تشکیلات تقسیم شده و درباره ۵ عنصر منطقی مقاومتی سخنی به میان نیامده است.
مقاله «آیا مقاومت در برابر قدرت امکان پذیر است؟» از کاوه حسین‌زاده راد (۱۳۸۸)	در این مقاله، تنها عنصر «امکان مقاومت» را از دیدگاه میشل فوکو بررسی کرده است نه از دیدگاه امام خامنه‌ای یا آیات و روایات.
مقاله «نسبت سنجی هزینه‌های مقاومت و تسلیم ملت‌ها در مقابل نظام سلطه» از حمید حبیبی (۱۳۹۷) و «هزینه مقاومت و هزینه سازش» از اله مراد سیف (۱۳۹۷).	در این مقالات به عنصر «هزینه مقاومت» پرداخته شده و از سایر عناصر سخنی به میان نیامده است.

۳- بیان نوآوری

امام خامنه‌ای (حفظه الله) در سی‌امین سالروز رحلت امام خمینی (رضوان الله علیه) در خرداد سال ۱۳۹۸ به صراحت عناصر مقاومت را ذکر کردند؛ ایشان ضمن منطقی دانستن مقاومت امام و انقلاب، برای آن عناصری ذکر کردند به این ترتیب: طبیعت مقاومت، تأثیر مقاومت، هزینه مقاومت، نتیجه مقاومت و امکان مقاومت. ما در این نوشتار با تکیه بر آیات و روایات یعنی با روش نقلی_وحيانی، این عناصر را به صورت گام به گام و فرایندی به

این ترتیب: «امکان مقاومت، طبیعت مقاومت، هزینه مقاومت، تأثیر مقاومت و نتیجه مقاومت» بیان خواهیم کرد تا منطق مقاومتی را که امام خامنه‌ای بارها فرموده‌اند و در متن و روح بیانیه گام دوم به آن تأکید داشته‌اند، ثابت کنیم؛ نوشته‌ای مستقل در این باره نیافتیم و این مقاله نخستین نوشتاری است که عناصر مقاومت را بدین ترتیب و تحلیل بیان می‌کند؛ نوآوری در دسته‌بندی و در ادله و در ضابطه (قاعده) از دیگری ویژگی‌های این پژوهش است.

مبادی تحقیق

پیش از تبیین عناصر پنج‌گانه‌ی مقاومت، لازم است که پیش‌نیازهای این پژوهش مانند مفهوم مقاومت و عناصر را بیان کنیم.

۱- چیستی مقاومت و منطق آن

مقاومت از ریشه (ق و م) بر وزن مفاعله، بیشتر بیانگر مشارکت یک‌سویه است؛ به این معنا که آغازگر، یک‌طرف است (فاعلیت صریح و مفعولیت ضمنی) و طرف دیگر از آن اثر می‌پذیرد (یا واکنش نشان می‌دهد یا منفعل و تسلیم است)؛ بر این پایه، «مقاومت به معنای با کسی ایستادن یا ضدیت کردن است» (میرقادری، ۱۳۹۱: ۷۰)؛ برخی محققان معتقدند: «این باب -مفاعله- تنها امتیازی که بر فعل مجرد دارد، سرسختی و مقاومت در عمل است برای نمونه ضَرْبَ زید یعنی زید کتکی زد اما در ضاربَ زید یعنی زید با عنایت خاصی زد و طبیعی است که اگر فعلی با سختی انجام شد، سبب عکس‌العمل می‌شود پس فعل هر گاه از باب مفاعله باشد، یک نحوه مقاومت و اصرار در کار را می‌رساند»؛ (منتظری، ۱۳۶۹: ۱۹) پس با این نکته می‌توان سلبی و ایجابی بودن مقاومت را دانست زیرا اگر طرفینی بودن در باب مفاعلت شرط نباشد، نیازی به تقابلی و واکنشی کردن مقاومت نیست که آن را ذیل جهاد دفاعی (ذبی) تعریف کنیم.

با توجه به کاربردهای این ریشه در لغت، عرف، قرآن و حدیث، مقاومت مفهومی عام است که دربرگیرنده‌ی مفهوم‌هایی مانند عزم و انتصاب، فعلیت عمل، گروهی از مردم، (احمد ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۴۳) صبر و استواء و اعتدال و استحکام و ثبات است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷: ۵۹۲) همچنین در مقابل مفهوم‌های مانند تسلیم‌پذیری، عقب‌نشینی، نشستن، زوال، سستی و ناراستی قرار می‌گیرد. برخی از واژه‌شناسان کاربرد عام معنای این ریشه را «در برابر نشستن» می‌دانند که از آثار و لوازم آن انتصاب و فعلیت عمل مادی و معنوی است. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹: ۳۴۱) کاربرد دیگر در حدیث امام علی علیه السلام آمده است که در غزوه سلاسل، مقاومت را «در برابر تسلیم و عقب‌نشینی» به کار بردند: «إِمَّا الْإِسْلَامَ وَ إِمَّا الْمَقَاوِمَةَ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۳: ۱۴۱).

از منظر امام خامنه‌ای: «معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را، راه حق می‌داند، راه درست می‌داند و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند این معنای مقاومت است؛» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴) برای نمونه انسان در مسیری حرکت می‌کند که در آن مسیر موانعی مانند صخره و دزد (راهزن) و گرگ وجود دارند، در این حالت، انسان نگاه می‌کند و راه عبور را تحلیل می‌کند سپس موانع را با شیوه‌ای عاقلانه، برداشته یا دور می‌زند و بدین گونه با آنها مقابله می‌کند تا به مقصد برسد (ر.ک: همان).

مقاومت به معنای «ایستادگی فعال و پیشرو بر چیزی یا در برابر چیزی» است؛ خواه مثبت باشد یا منفی؛ از این رو عرصه‌ی مقاومت فراتر از «عرصه‌ی سیاسی و نظامی» است؛ برای نمونه در «عرصه‌ی اعتقاد»، مقاومت یعنی ایستادگی بر باورها و نگهداری آن‌ها؛ در «عرصه‌ی اقتصاد»، یعنی ایستادگی بر دارایی‌ها و توانایی‌ها؛ انسان در «همه‌ی عرصه‌های حیات»، نیازمند مقاومت است از این رو ایستادگی کردن، ضروری انسان و زندگی دنیاست؛ محوری‌ترین پاسخ به چرایی حراست و اسارت و شهادت ائمه علیهم‌السلام، مقاومت همیشگی آنان برابر زیاده‌خواهی‌ها و زورگویی‌های دشمنان دین بود؛ پس گفتمان و منطق معصومان علیهم‌السلام نیز مقاومت بود.

منطق مقاومت همان حرف قرص و محکم و صحیح و عاقلانه‌ای است که بر پایه اصولی محکم (نقلی و عقلی و عرفی و تجربی) استوار است؛ این منطق در مقابل هیجان‌زدگی و احساسات زودگذر است؛ امام خامنه‌ای گسترش جبهه و منطق مقاومت را در کنار انزوای آمریکا و انتقال قدرت به آسیا از خطوط اساسی نظم نوین جهانی برشمرد (همان، ۱۴۰۱/۰۸/۱۱) واژه و قدرت و منطق مقاومت امروز از واژه‌های برجسته‌ی ادبیات سیاسی دنیاست که از امام به ملت ما و از ملت ما به امت اسلام و از امت اسلام به جهان تزریق شده است (ر.ک: امام خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۳/۱۴)؛ «مقاومت یک مکتب است، یک مکتب اعتقادی است... انگیزه‌ی افراد جبهه‌ی مقاومت و عناصر جبهه‌ی مقاومت با دیدن خباثت‌ها قوی‌تر می‌شود و دامنه‌ی جبهه‌ی مقاومت گسترده‌تر می‌شود. مقاومت این جوری است.» (همان، ۱۴۰۳/۰۹/۲۵).

۲- چستی عناصر مقاومت

عنصر در فارسی به معنای بن و اصل یک چیز است که در علم شیمی کاربرد بیشتری دارد و در شیمی به ماده‌ی تک اتمی گفته می‌شود که بسیط بوده و تجزیه نمی‌شود ولی از ترکیب آن با عنصر دیگری، ماده‌ی جدیدی تشکیل

می‌شود؛ مانند عنصر هیدروژن + عنصر اکسیژن = ماده آب و مانند اورانیوم که از ترکیب ۹۲ پروتون و ۹۲ الکترون به دست می‌آید؛ انرژی نیز از شکستن عنصر فلزی اورانیوم به دست می‌آید؛ عناصر، گونه‌های متفاوتی دارند مانند «جامد، مایع و گاز» و «فلزی و غیرفلزی»؛ «ثقیل و خفیف» (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۰۲۳؛ لانگر، بی‌تا، پایگاه ای‌کیمیکالز؛ پایگاه جهان شیمی)؛ در عربی و اینجا مراد از عناصر، همان اجزا و بخش‌های پشته‌داری هستند که با ترکیب آنها، مقاومت به وجود می‌آید.

امام خامنه‌ای، پشته‌داری مقاومت را منطقی می‌داند نه غیرمنطقی؛ آن منطق هم با همه منابع از جمله عقلانی، علمی و دینی پشتیبانی می‌شود و اجزای زیادی دارد که مهم‌ترین عناصر (اجزای) منطق مقاومت عبارتند از: امکان مقاومت، طبیعت مقاومت، هزینه مقاومت، تأثیر مقاومت و نتیجه مقاومت (ر.ک: امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)؛ به نظر می‌رسد سایر اجزای مقاومت مانند ایمان و امنیت نیز از لوازم یا آثار این ۵ عنصر باشند ضمن اینکه ممکن است هر عنصر از مواد فراوانی شکل گرفته باشد که البته تجزیه‌پذیر نیست؛ با توجه به ۴ عنصر مقاومتی کتاب مقاومت در اسلام، ۵ عنصر مقاومتی در بیانات امام خامنه‌ای را به عنوان عناصر موفقیت‌بخش و توجیه‌پذیر مقاومت مطرح کرد و ۴ عنصر (عامل و بازیگر و اقدام و محیط) را به عنوان عناصر شکل‌گیری مقاومت نامید.

عناصر مقاومت

امام خامنه‌ای، عناصر مقاومت را در یک سخنرانی بنا بر اهمیت آن مطرح کردند (همان، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴) ولی ما همان عناصر را بنا بر مراحل طولی و فرایندی آن به این ترتیب مطرح می‌کنیم: ممکن بودن مقاومت، طبیعی بودن مقاومت، کم هزینه بودن مقاومت، عامل عقب نشینی دشمنان و رسیدن به پیروزی؛ توجیه‌پذیری مقاومت به این ۵ عنصر وابسته است که هر مرحله مقدمه مرحله دیگر است.

۱- امکان‌پذیری مقاومت

در مورد امکان مقاومت در انسان دو نظر وجود دارد: یکی ممکن بودن و دیگری ناممکن بودن؛ در مورد امکان مقاومت در برابر دشمنان نیز دو نظر وجود دارد: امکان مقاومت و عدم امکان مقاومت؛ نظام اسلامی و رهبران آن بر این باورند که مقاومت در برابر دشمنان امکان دارد ولی برخی بر این باورند که امکان ندارد (همان، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴)؛ بر اساس مذهب امامیه، قدرت و آزادی و اختیار انسان وابسته به خداست؛ نه آزاد و مختار تام

است نه اسیر و مجبور تام؛ بلکه وابسته به خداست؛ این، اصلی پذیرفته در مذهب تشیع است که علاوه بر نقل و حیانی و قطعی، مبتنی بر عقل و عقلاست؛ امام رضا علیه السلام در تفسیر این حدیث -بَلْ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ- فرمودند: «وَجُودُ السَّبِيلِ إِلَى إِيْتَانِ مَا أُمِرُوا بِهِ وَ تَرْكِ مَا نُهُوا عَنْهُ.» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۲۴) بودن راهی برای برای به جای آوردن آنچه بدان مأمور شده‌اند و ترک آنچه از آن نهی شده‌اند؛ یکی از امرهای الهی نیز امر به استقامت است: «فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ.» (هود، ۱۱۲) و «فَاصْبِرْ يَا شَيْخِي وَ أَمْرُ جَمِيعِ شِيعَتِي بِالصَّبْرِ.» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۲۱) در این آیه و حدیث مؤمنان به مقاومت و صبر امر شده‌اند؛ در نتیجه مقاومت برای انسان امکان دارد؛ میشل فوکو نیز بر این عقیده بود که «هر جا آزادی هست، قدرت هم هست و هر جا قدرت هست، مقاومت هم امکان دارد.» (حسین زاده راد، پاییز ۱۳۸۸: ۱۲۰).

از آنجا که انسان بی‌نهایت طلب آفریده شده است، جز با رسیدن به خدا آرام نمی‌گیرد و متوقف نخواهد شد زیرا خدا خاستگاه نهایی همه طلب‌هاست: «اللَّهُمَّ يَا مُنْتَهَى مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ» (صحیفه سجادیه، دعای ۱۳) و خدا آخرین خواسته‌ی رغبت‌کنندگان «وَا يَا مُنْتَهَى حَاجَةِ الرَّاعِبِينَ» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۳۷) و آخرین همت آنان است: «وَا يَا مُنْتَهَى هِمَّةِ الرَّاعِبِينَ.» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۵۰۸)؛ پس مقاومت امکان دارد اما اینکه تا چه حد امکان دارد بستگی به همت و خواسته‌ی انسان‌ها دارد؛ اگر همت بلند باشد انسان تا رسیدن به آن، امکان مقاومت دارد و اگر همت کوتاه باشد، انسان از رسیدن به قله‌های بلند، باز خواهد ماند بنابراین امکان مقاومت انسان از جهت همت و خواسته او دو گونه است: مقاومت انسان‌های بلندهمت و مقاومت انسان‌های کوتاه‌همت.

۱-۱- امکان مقاومت در انسان‌های بلندهدف و بلندهمت

از منظر امام خامنه‌ای، مشکل ملت‌ها در برابر مستکبران و زورگویان، کوتاهی همت است؛ ایشان در ابتدای بیانیه گام دوم آورده‌اند: «از میان همه‌ی ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد و در میان ملت‌هایی که به پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران...» (همان، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)؛ از دیدگاه ایشان، مقاومت در برابر مستکبران، امری ممکن است و نگرش تسلیم، محاسبه‌ای خطاست (همان، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴) استکبار به معنای خودبزرگ‌خواهی و خودبزرگ‌نمایی است؛ مستکبران جهانی می‌دانند که بزرگ نیستند ولی خود را اینگونه جلوه می‌دهند تا دیگران نیز آنان را بزرگ ببینند و با آنان در نیفتند پس بزرگ‌بینی

آنان خطای محاسباتی است و انسان نباید فریب بخورد بلکه باید بزرگ را بزرگ و کوچک را کوچک ببیند؛ یعنی واقع‌نگر باید بود؛ حتّی واقعیّت باطنی مستکبران بسی کوچکتر از واقعیّت ظاهری آنان است و آنان را باید کم دید نه زیاد؛ برای نمونه خواسته‌ی امام سجاد علیه السلام از خدا این است: «فَإِذَا صَافَّ عَدُوُّكَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِي عَيْنِهِ وَ صَغِّرْ شَأْنَهُمْ فِي قَلْبِهِ» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۷) پس زمانی که هر یک از نیروهای مقاومت در مصاف با دشمنان تو و خودش قرار می‌گیرد، آنان را در چشمش کم بنمای و جایگاهشان را در قلبش کوچک کن؛ سیاست کوچک‌نمایی دشمن، سبب جرأت ما بر مقاومت و پیروزی می‌شود و محاسبات غلط آنان درباره کوچک و ضعیف بودن ما نیز سبب تهاجم بدون آمادگی، سستی و شکست آنان می‌شود (ر.ک: انفال، ۴۴؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۶۹ق، ج ۱: ۱۹۸؛ مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۲۶۰)؛

خدای تعالی نیز مسلمانان را در چشم کافران زیاد نشان می‌دهد و مشرکان را در چشم مؤمنان کم نشان می‌دهد تا مؤمنان سست و ضعیف و ترسان نشوند: «وَكَثَّرَ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ فِي أَعْيُنِ الْكُفَّارِ وَ قَلَّلَ الْمُشْرِكِينَ فِي أَعْيُنِ الْمُؤْمِنِينَ كَيْلًا يَفْشَلُوا.» (طبرسی، ۱۳۹۰ق، ص ۷۶)؛ از قرآن بدست می‌آید که مسلمانان در مصاف با دشمنان نباید آنان را بیشتر از آنچه هستند به نظر آورند بلکه باید با واقعیّت آنان روبه‌رو شوند؛ آنان از جهت ابعاد وجودی دو واقعیّت دارند: واقعیّت فیزیکی و ظاهری و واقعیّت روحی و باطنی؛ دشمنان چون معتقد به امور باطنی و حقایق معنوی نیستند از روی ظاهربینی، واقعیّت مسلمانان را می‌بینند اما مسلمانان به هر دو (ظاهر و باطن) باور دارند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۶: ۱۳۳)؛ پس مسلمانان به خاطر گرایش به خدا و همّت بلندی که در راه خدا دارند، خدا هم از آنان حمایت کرده و در چشم‌ها تصرف می‌کند اما مستکبران از این حمایت معنوی و امداد غیبی بی‌بهره‌اند.

مستکبران نمی‌توانند به خدا ایراد بگیرند که چرا از ما حمایت نمی‌کند، چون باور به خدا و دین خدا ندارند و با آن در ستیز هستند؛ آنان به علّت ایستادگی در برابر خدا و بندگان خدا از رحمت خدا دورتر می‌شوند و هر کس از رحمت خدا دور شد، هم خود ضعیف‌ترین آفریده‌هاست هم ابزارش. شیطان، سر سلسله مستکبران (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲) در قرآن اینگونه یاد شده است: «فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا.» (نساء، ۷۶) پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید! -و از آنها نهراسید!- زیرا که نقشه شیطان، -همانند قدرتش- ضعیف است. مستضعفان در صورت مقاومت برابر مستکبران و ایمان به پیامبران و آموزه‌های دینی (اعراف، ۷۵) از یاری خدا

بهره‌مند شده و پیروز خواهند شد سپس در سرزمین‌های خود به قدرت و حکومت می‌رسند (همان، ۱۳۷) و این نعمت بزرگی از سوی خداست (قصص، ۵) که باید یادآوری (بقره، ۴۷) و سپاس‌گذاری شود (انفال، ۲۶).

امام خامنه‌ای درباره واقع‌نگری فرمود: «آرمان‌گرایی بدون ملاحظه‌ی واقعیت‌ها به خیال‌پردازی و توهم خواهد انجامید. در جنگ‌های روانی که امروز در دنیا معمول است، یکی از کارها القای واقعیت‌های غیرواقعی است؛ چیزهایی را به عنوان واقعیت القاء می‌کنند که واقعیت ندارد؛ شایعه درست می‌کنند، حرف می‌زنند که واقعیت نیست؛ اگر چنانچه کسی چشم باز و بینا نداشته باشد، دچار اشتباه می‌شود. پس یکی از کارکردهای بصیرت همین است که انسان واقعیت‌ها را آنچنان که هست، ببیند. آرمان‌ها با نگاه به واقعیت‌ها است که قابل تحقق خواهند بود. اما واقعیت را ببینیم، نه آنچه که با شگردهای دشمنانه به عنوان واقعیت به ما القاء می‌شود.» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۵/۰۶)؛ امروز هوش مصنوعی و فضای مجازی ابزاری برای کوچک‌نمایی غیرواقعی قدرت و گستره جبهه مقاومت و بزرگ‌نمایی ضعف‌ها و فسادها شده است تا دشمنان را برای تهاجم بر جبهه مقاومت جرأت ببخشند و جبهه مقاومت را سست کنند، پس باید با توجه به اهداف والای انقلاب، دامن همت را به کمر بست و تارهای عنکبوتی دشمن را از هم گسست و به آب و باد و آتش و خاک سپرد.

امام خامنه‌ای بر این باور است که مقاومت در برابر دشمنان امکان دارد و نباید دشمن را شکست‌ناپذیر جلوه دهیم؛ نباید نسخه‌ی تسلیم برای کشور تجویز کنیم و نشانه‌های تسلیم را به دشمن نشان دهیم (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۴/۱۷) ملت‌ی که هدف‌های بلند دارد، باید همت بلند داشته باشد و در راه رسیدن به آرمان‌ها با واقعیت‌ها رو به رو شود و از موانع و مسیر غفلت نکند (همان، ۱۳۹۲/۰۵/۰۶)؛ باید راه‌شناس و راهزن‌شناس باشیم و حقیقت را از راهنمایان حق دنبال کنیم نه راهزنان فکر و اندیشه و آگاهی (همان، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)؛ در راه رسیدن به آرمان‌های بلند باید با روحیه مقاومت و حرکت جهادی و انقلابی (همان، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴) و همت و هوشیاری و سرعت عمل و ابتکار گام برداشت تا فاصله‌ی میان بایدها و آرمان‌ها از بین برود و انقلاب اسلامی بتواند به سوی تمدن اسلامی و تحقق عدالت جهانی و ظهور دولت حق نقش اساسی را ایفا کند. طی این راه شدنی است و تجربه این را نشان داده است (همان، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)؛ در نتیجه شعار «ما می‌توانیم» و «مقاومت برابر دشمنان» تحقق‌یافتنی است زیرا ما با ایمان خود به خدای قوی و قدرتمند ارتباط داریم و او هم همراه ماست (محمد، ۳۵ و آل عمران، ۱۳۹).

۱-۲- امکان مقاومت در انسان‌های کوتاه هدف و کوتاه همت

چه کسانی که مقاومت را غیرممکن می‌دانند؟ چرا؟ ناامیدان و ناتوانان و خودبزرگ‌بینان و خودضعیف‌پنداران؛ زیرا هدفمند نیستند یا اهدافی کوتاه دارند؛ انسان بی‌هدف و کوتاه هدف (هدف نزدیک) نیز متوقف یا کندرو و کم‌تحرک است؛ امام خامنه‌ای درباره چرایی ناتوانی از مقاومت و نقش هدف‌های دور در مقاومت می‌فرماید: «مستکبران در زمان طاغوت به ایران ژن ما نمی‌توانیم تزریق کرده بودند که پس از انقلاب، ما به جنگ وابستگی رفتیم و به خودباوری رسیدیم و در جنگ سخت پیروز شدیم اما در جنگ نرم عده‌ای سست عنصر و غریب‌پرست و مادی‌نگر و فریب‌خورده به دنبال بازتولید همان فرهنگ و روحیه ما نمی‌توانیم و وابستگی هستند که باید چشم را به هدف‌های دور متوجه کرد و برای رسیدن به قله‌های قدرت و عزت از روحیه ایمان و معنویت یاری جست.» (همان، ۱۳۹۵/۰۷/۲۸).

برخی کار خود را بزرگ می‌بینند و به آنچه بدست آورده‌اند، بسنده می‌کنند؛ اگر انسان در راه آرمان‌هایش به سودی برسد و توقف کند، نادرست است و اگر در این راه سود نکند یا زیان ببیند و تسلیم شود نیز نادرست است؛ در هر صورت انسان باید اهل مقاومت باشد یعنی سود و زیان‌های میان راه نباید او را تا رسیدن به قله‌ی اهداف بازدارد و باید ادامه دهد (همان، ۱۳۹۲/۰۵/۰۶) آموزه‌های دینی بیانگر خستگی‌ناپذیری و سبقت در کارهای خیر و کم‌دانستن آن کارهاست تا از مقاومت متوقف نشود؛ برای نمونه، قرآن درباره خستگی‌ناپذیری می‌فرماید: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» (شرح، ۷) پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می‌شوی به مهم دیگری پرداز؛ آیت الله جوادی آملی در تفسیر این آیه آورده است که انسان محدود است و تا به کاری مشغول شد، پرداختن به کاری دیگر برایش دشوار است (جوادی آملی، ۱۳۹۸/۱۲/۲۴) از این رو پس از هر فراغت، رغبتی لازم است و ادامه راه به مقاومت نیاز دارد و نباید به اهداف کوتاه‌مدت و میان‌مدت اکتفا کرد بلکه آن‌ها را باید مقدمه اهداف بلندمدت دانست.

امام سجاد علیه السلام بزرگ شمردن طاعت را ناپسند می‌داند و از آن به خدا پناه می‌برد (صحیفه سجادیه، دعای ۸) و از خدا کم‌شماری خیرهای گفتاری و کرداری را می‌خواهد: «وَ اسْتَغْلَالِ الْخَيْرِ وَ إِن كُثِرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي.» (همان، دعای ۲۰) زیرا بزرگ‌شماری طاعت و خیر، انسان را به عجب و کسالت و جرأت برگناه می‌کشاند و

طاعت انسان هر چقدر بزرگ باشد در برابر عظمت و احسان و نعمت خدا ناچیز است پس اگر انسان طاعتی انجام داد نباید به آن راضی باشد بلکه باید آن را کوچک بشمارد و در حدّ توان بکوشد (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۳۶۰ و ج ۳: ۳۵۲)؛ پس انسان نباید احساس ناتوانی کند و نباید انهماز روحی پیدا کند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶) «هرکس بگوید این کار شدنی نیست او را به کوتاهی همت متهم می‌کنم. هیچ کاری نیست که از انسان ساخته نباشد. انسان نیرومندتر از این حرف‌هاست و می‌تواند کارهای نشدنی را شدنی کند.» (همان، ۱۳۶۸/۰۳/۱۸).

مستضعفانی که در برابر مستکبران از خود هیچ مقاومتی نشان نمی‌دهند نیز نمی‌توانند به خدا ایراد بگیرند که ما از توانایی جسمی و مالی برخوردار نبودیم: «قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ» (نساء، ۹۷) زیرا اگر چه واقعیت ظاهری آنان ضعف جسمی و مالی است اما چرا واقعیت باطنی خود را تقویت نکردند و روحیه ایمان و مقاومت را در خود بالا نبردند؟ چرا وقتی مردم آنان را از دشمنان ترسانند به ایمانشان افزوده نشد و نگفتند: خدا ما را کافی است؟ (آل عمران، ۱۸۳) در حالی که مؤمنان وقتی با حجم انبوه دشمنان روبه‌رو می‌شوند باید ایمان و تسلیمشان به خدا زیاد شود نه به دشمنان (احزاب، ۲۲) آنان هم اگر راست می‌گویند مؤمن هستند، چرا در برابر دشمن، سست و اندوهگین می‌شوند (آل عمران، ۱۳۹) مگر مستکبران می‌توانستند راه هدایت و ایمان را بر آنان ببندند (سبأ، ۳۱ تا ۳۳)؛ انسان مختار است و ایمان قلبیست. چرا مانند قوم حضرت صالح مقابل مستکبران نایستادند: «قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ.»؟ (اعراف، ۷۵) گفتند: به یقین ما به رسالت (آرمان‌ها و اهداف) او (صالح)، ایمان داریم. چرا بی تفاوت شدند و به مؤمنان نپیوستند تا ناتوانی و ناداری آنان را برطرف کنند؟ چرا در صورت نداشتن یاور، هجرت نکردند؟ «أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا» (نساء، ۹۷)؛ مگر سرزمین خدا، پهناور نبود که مهاجرت کنید؟!

۲- طبیعی و فطری بودن مقاومت

امام خامنه‌ای انسان را موجودی تحوّل‌خواه و مقاوم می‌داند که نباید در او و جامعه‌ی انسانی رکود و ایستایی راه دهد: «خدا بشر را این‌طور قرار داده است که ایستایی در طبیعت انسان نیست. شاید یکی از فرق‌های انسان با بقیه اشیا هم همین باشد» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸)؛ پس طبیعت انسان، حرکت و مقاومت است و مقاومت، حرکت طبیعی انسان‌هاست. ایشان مقاومت را حرکتی پیوسته و بدون توقف در یک راه دانسته و راه درست را

«رسیدن به حاکمیت دین خدا» می‌داند که در این راه باید از مظلوم حمایت کرده و ظالمان را از میان برداشت. بدیهی است که این حرف و مشی، دشمنانی دارد و این دشمنی‌ها با طبیعت انسان دین‌دار حتی عاقل و آزاده سازگار نیست پس باید در این راه و از این حرف دینی و عقلی در برابر زورگویان جهان مقاومت کرد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴)؛ در اینجا طبیعی بودن مقاومت را از دو جهت الهی (دینی یا نقلی) و انسانی (عقلی یا غیرنقلی) برمی‌رسیم.

۲-۱- طبیعت دینی مقاومت

مقاومت از دیدگاه الهی برای انسان، طبیعی و فطری است؛ امام خامنه‌ای مقاومت برابر زورگویان را از معارف می‌داند (۱۳۹۸/۱۱/۲۶)؛ زیرا خدا حدود آزادی انسان را تعیین کرده است تا نه ستم کند و نه زیر بار ستم رود: «وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي.» (صحیفه سجاده، دعای ۲۰)؛ پس دین‌داران بر پایه دستورات دینی و فطرت توحیدی خود مقابل ستم و زور می‌ایستند؛ امام خامنه‌ای تفاوت دیدگاه اسلام با مکاتب رایج غربی درباره آزادی را در سه مطلب بیان می‌کند.

یکم (ریشه آزادی): ریشه‌ی آزادی در فرهنگ اسلامی، جهان‌بینی توحیدی است ولی ریشه‌ی آزادی، حتی قانون در غرب، خواست و تمایلات انسان -منطقی و غیرمنطقی، عقلانی و غیرعقلانی- بلکه طبقات ممتاز جامعه است؛ «اصل توحید با اعماق معانی ظریف و دقیقی که دارد، آزاد بودن انسان را تضمین می‌کند؛ یعنی هر کسی که معتقد به وحدانیت خداست و توحید را قبول دارد، باید انسان را آزاد بگذارد.» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹) برای نمونه پیغمبران اولین حرفشان عبارت بوده از اینکه از خدا اطاعت کنید و از طاغوت، از کسانی که غیر خدا هستند و می‌خواهند انسان را اسیر کنند و برده کنند، اجتناب کنید: «أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل، ۳۶)؛ این آزادی توحیدی در همه‌ی ادیان الهی وجود دارد و همه را دعوت به مقاومت در برابر اربابان غیر خدا می‌کند (آل عمران، ۶۴) و انسان حق ندارد بنده و اسیر دیگری شود: «وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۷۷) پس «ریشه‌ی آزادی در اسلام عبارت است از شخصیت و ارزش ذاتی انسان که بنده‌ی هیچ کس غیر خدا نمی‌شود و در حقیقت ریشه‌ی آزادی انسان توحید و معرفت خدا و شناخت خداوند است.» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹).

دوم (گستره آزادی): اسلام علاوه بر آزادی بیرونی بر آزادی درونی نیز تأکید دارد که انسان در قید قوه‌ی شهویه و غضبیه نباشد در حالی که در غرب به آزادی درونی توجه نمی‌شود. برای نمونه «لَا يَسْتَرْقَنكَ الطَّمْعُ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرّاً» (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۹۸) یعنی ای انسان، طمع و آز تو را اسیر نکند، برده نکند، درحالی که خدا تو را آزاد آفریده است. «در دنیا استعمارگران برای اسیر کردن ملت‌ها، برای مطیع کردن شخصیت‌ها حتی مبارزین، از این راه استفاده می‌کنند و آنها را در دام شهوت می‌اندازند در نتیجه آن انسانی که آنجور آزاد بود، آنجور فریاد می‌کشید، آنجور اظهار وجود می‌کرد، ناگهان می‌بینید مثل یک برده و اسیر، مثل یک غلام می‌شود مطیع آنها. پس شهوات اسیر کننده‌ی انسان است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۵/۱۰/۰۵)؛ ایشان تقوا و تزکیه را دو وسیله مقاومت در برابر دشمنان می‌دانند که «اگر در ملتی تقوا و تزکیه پیدا شد ولو به طور نسبی، به همان اندازه می‌تواند بر قدرت‌های تهدید کننده‌ی آزادی او غلبه کند» (همان) افرادی که خود ضعیف هستند، نه تنها خود مقاومت نمی‌کنند بلکه دیگران را نیز به ترک مقاومت دعوت می‌کنند (ر.ک: احزاب، ۱۸).

سوم (گستره قانون): در اسلام قانون که محدود کننده‌ی آزادی انسان است، فقط در زمینه‌ی مسائل اجتماعی نیست، بلکه شامل مسائل خصوصی انسان هم می‌شود ولی در فرهنگ غربی که قانون مرز آزادی را معین می‌کند، این قانون ناظر به مسائل اجتماعی است؛ در غرب قانون می‌گوید آزادی هیچ انسانی نباید آزادی دیگران را تهدید کند و منافع آنها را به خطر بیندازد ولی در اسلام مرز فقط این نیست، به انسان می‌گوید که استفاده‌ی از آزادی، علاوه‌ی بر اینکه باید آزادی دیگران را به خطر نیندازد و منافع جامعه و دیگران را تهدید نکند، باید منافع خود او را هم به خطر نیندازد... در اسلام زیر بار زور رفتن ولو به خود یک شخص مربوط شود، حرام است؛ بنابراین یک انسان نمی‌تواند بگوید من اختیار خودم را دارم و به اختیار خودم می‌خواهم آزادی خودم را سلب کنم یا خودم را در اختیار دیگران قرار بدهم یا فلان زور را تحمل کنم (همان، ۱۳۶۵/۱۱/۰۳)؛ برای نمونه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً.» (تحریم، ۶) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ.» (مائده، ۱۰۵) جان خودتان را، وجود خودتان را و همین طور اهل خود را حفظ کنید.

۲-۲- طبیعت عقلی مقاومت

امام خامنه‌ای می‌فرمایند: «مقاومت، واکنش طبیعی هر ملت آزاده و باشرف در مقابل تحمیل و زورگویی است؛ دلیل دیگری لازم ندارد. هر ملتی که برای شرف خود، برای هویت خود، برای انسانیت خود ارزش قائل است،

وقتی ببیند یک چیزی را می‌خواهند به او تحمیل بکنند، مقاومت می‌کند، امتناع می‌کند، ایستادگی می‌کند؛ خود این، یک دلیل مستقل و قانع‌کننده است.» (همان، ۱۳۹۷/۰۳/۱۴)؛ گزاره‌های عقلی نیز انسان را به مقاومت رهنمون می‌کنند. آزادی و استقلال و عقلانیت از جمله نیازهای فطری انسان است که هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

ملت‌های اسلامی با مقاومت خود در برابر مستکبران می‌ایستند زیرا «آزادی بی‌بند و بار و آزادی مطلق را هیچ‌کس در دنیا طرفداری نکرده و ممکن هم نیست در جامعه‌ی بشری؛ اگر ما فرض کنیم که یک انسان در هر کاری که مایل است انجام بدهد، آزاد باشد و هیچ مانعی بر سر راه او نباشد، نفس این آزادی طبیعی است که آزادی بسیاری از مردم دیگر را محدود خواهد کرد، راحتی آنها را، امنیت آنها را و آزادی آنها را سلب خواهد کرد. بنابراین آزادی انسانیت و جامعه‌ی انسانی به صورت مطلق اصلاً نه ممکن است و نه کسی طرفدار اوست؛ حتی آنارشیست‌هایی که در قرن نوزدهم و بیستم در اروپا پیدا شدند و شعار آزادی از تمام قوانین اجتماعی و قیود اجتماعی را سر دادند، آنها هم باز یک حدودی و یک قیودی را معتقد بودند و در عمل رعایت می‌کردند.» (همان، ۱۳۶۵/۱۰/۰۵) پس دشمنان استعمارگری مانند آمریکا و انگلیس باید متوقف شوند و بپذیرند که آزادی مطلق ندارند.

امام خامنه‌ای درباره منطق و طبیعت مقاومت معتقدند: «منطق ما در مقابله‌ی با دست‌اندازی‌های امریکایی، منطق ضعیفی نیست. منطقی است که اگر برای همه‌ی ملت‌های دنیا تبیین بشود، با همه‌ی دل به آن می‌گروند. ما حرف زوری نمی‌زنیم؛ حرف خلاف متعارفی نمی‌زنیم. ما می‌گوییم یک ملت و یک کشور، نمی‌خواهد اجازه بدهد که یک قدرت، یک امپراطوری متجاوز، مدعی و طلبکار از همه‌ی دنیا، به منابع او دست بیندازد، به منابع انسانی او دست بیندازد، سیاست او را تعیین کند و از او سلب اختیارات کند. می‌گویند: فلان کار را بکنید، فلان کار را نکنید، فلان چیز را بفروشید، فلان چیز را بخرید، این کار را برای حکومتان بپذیرید، آن را نپذیرید! این کاری است که الآن امریکایی‌ها در خیلی از جاهای دنیا دارند می‌کنند. در متصرفات شوروی سابق مکرر کردند؛ در منطقه‌ی خاورمیانه ده‌ها سال است دارند می‌کنند؛ در آسیا و در خیلی از کشورها دارند می‌کنند. ایران گفت ما نمی‌خواهیم شما در کار ما دخالت کنید؛ می‌خواهیم خودمان تصمیم بگیریم. این حرف بدی است؟ ملت ایران در مواجهه‌ی روبه‌رو و آشکار با استکبار، می‌گوید شما چرا دم از حقوق بشر می‌زنید و این جور آشکار و واضح حقوق بشر را

در همه جا - در عراق، در افغانستان، در آفریقا، در کوزوو، حتی در خود امریکا - نقض می‌کنید؟! این حرفی نیست که ملت‌ها این را نفهمند» (همان، ۱۳۶۸/۰۳/۰۸).

۳- کم‌هزینه بودن مقاومت

در دیدگاه امام خامنه‌ای، «مقاومت و ایستادگی هزینه دارد، اما هزینه تسلیم شدن به مراتب بیشتر از هزینه مقاومت است. یک نمونه از هزینه بالای تسلیم بودن در برابر زورگویان، رژیم پهلوی است که با وجود همه کوتاه آمدن‌ها و امتیازاتی که به امریکا می‌داد، تحقیر هم می‌شد. دولت سعودی یک نمونه دیگر است که هم دلار می‌دهد و هم براساس خواسته امریکا موضع‌گیری می‌کند اما توهین هم دریافت می‌کند و به او لقب گاو شیرده می‌دهند.» (همان، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴) همچنین فرمود: «البته ایستادگی سختی‌هایی هم دارد، نه اینکه کار آسانی است؛ لکن تسلیم شدن، سختی‌های بیشتری دارد؛ فرقی هم این است که شما در راه استقامت و مقاومت هر سختی‌ای که متحمل بشوید، خدای متعال به شما اجر خواهد داد: «...ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْؤُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نِيلاً إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ...» - توبه: ۱۲۰ - هر سختی‌ای که شما تحمل بکنید، یک عمل صالح است؛ در حالی که اگر تسلیم دشمن بشوید، سختی‌هایتان هیچ اجری هم پیش خدای متعال ندارد، بلکه تن به ظلم دادن مجازات هم دارد. قرآن این جوری دستور می‌دهد: نه ظلم کنید، نه زیر بار ظلم بروید.» (همان، ۱۳۹۸/۰۸/۲۴) پس مقاومت و سازش هر دو هزینه دارند؛ «دشمن مودی‌گری می‌کند، راه را دشوار می‌کند، هزینه‌هایی را بر ما تحمیل می‌کند؛ منتها رسیدن به مرتبه‌ی عالی عزّت و پیشرفت، هزینه‌هایی هم دارد. پیدا کردن عزّت و اعتلا هزینه دارد. ذلّت هم هزینه دارد.» (همان، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵).

۳-۱- هزینه عزّت آفرین مقاومت

از نظر قرآن هم بهشت رفتن هزینه دارد و هم مقاومت کردن؛ رسیدن به بهشت هزینه دارد و آن جهاد و مقاومت است: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ» (آل عمران، ۱۴۲) آیا چنین پنداشتید که (تنها با ادّعای ایمان) وارد بهشت خواهید شد، در حالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما و صابران را مشخص نساخته است؟ در جای دیگر نیز می‌فرماید: «آیا گمان کردید که (به حال خود) رها می‌شوید در حالی که هنوز کسانی که از شما جهاد کردند مشخص نشده‌اند» (توبه، ۱۶) یا گمان کردید که بدون پرداخت

هزینه‌هایی - مالی و جانی و... - که گذشتگان پرداخت کردند، وارد بهشت می‌شوید (بقره، ۲۱۴) مبارزه با دشمن و مقاومت برابر او نیز هزینه دارد هر چند که ممکن است برخی میل به پرداخت هزینه نداشته باشند و بخواهند از آن دست شوند «جهاد در راه خدا، بر شما مقرر شد؛ در حالی که برایتان ناخوشایند است.» (بقره، ۲۱۶) پس «رسیدن به عزّت، اعتلا و قدرت، هزینه‌هایی دارد؛ باید هزینه‌ها را پرداخت، باید عمل کرد و پیش رفت.» (۱۳۸۲/۰۵/۱۵).

روایات نیز صبر را همراه تلخی بیان کرده‌اند که البته نتیجه‌ای شیرین دارد: «مَرَارَةُ الصَّبْرِ تُذْهِبُهَا حَلَاوَةُ الظَّفَرِ.» (آمدی، همان: ۲۸۳) تلخی صبر، ثمره‌اش پیروزی است (همان)؛ «لَا يُنْعَمُ بِنَعِيمِ الْآخِرَةِ إِلَّا مَنْ صَبَرَ عَلَى بَلَاءِ الدُّنْيَا.» (همان: ۲۸۴) کسی به نعمت‌های آخرت دست نیابد مگر اینکه بر بلاها (هزینه‌های) دنیا مقاومت کند؛ برای نمونه مقاومت امام حسن علیه السلام در برابر معاویه سبب عزّت مؤمنان در همه زمان‌هاست هر چند برخی نه آن زمان درک کردند نه این زمان؛ نامه سفید امضای معاویه و التماس به ترک جنگ و درخواست آتش بس از سوی معاویه و البته بی‌بصیرتی لشکریان و برخی خواص همه نشانه‌های اقدام عزّتمندان امام حسن علیه السلام بود (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۴).

قرآن کریم بارها به مؤمنان سفارش کرده که در راه خدا و جبهه مقاومت هزینه کنند: «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید؛ و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید؛ و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد؛ و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد» (انفال، ۶۰) از هزینه کردن در راه مقاومت نیز پشیمان نشوید: «و در راه تعقیب دشمن، (هرگز) سست نشوید! (زیرا) اگر شما درد و رنج می‌بینید، آنها نیز همانند شما درد و رنج می‌بینند؛ ولی شما امیدی از خدا دارید که آنها ندارند؛ و خداوند، دانا و حکیم است.» (نساء، ۱۰۴) در دعای مرزبانان نیز از حمایت و هزینه برای نیروهای نظامی و سپاهی و امنیتی و مرزبانی بلکه همه پاسداران مرزی و مغزی سخن به میان آمده است که باید آذوقه و حقوق و شهریه آنان پی‌درپی و فراوان باشد تا بدون هیچ نگرانی و دغدغه و عقب‌گرایی تنها به دشمن مقابل بیندیشند و با تمام قدرت ایستادگی و پیشروی کنند (ر.ک: صحیفه سجادیه، دعای ۲۷) پس «عزّت ملی هزینه دارد؛ هیچ کشوری بدون دادن هزینه‌ی لازم، به عزت ملی، به استقلال ملی و به هویت برتر خود، دست

پیدا نمی‌کند؛ باید هزینه‌اش را پرداخت. ملت ما این هزینه را پرداخته است و بازهم خواهد پرداخت» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۲/۰۵).

۳-۲- هزینه ذلت‌بار تسلیم

دشمن می‌خواهد این مکتب مقاومت را که دو دستی چسبیده‌ایم رها کرده و دست‌هایمان را به نشانه تسلیم بالا بگیریم (۱۳۹۸/۰۳/۱۴) و زیردستان شویم (همان، ۱۳۹۷/۱۱/۰۳)؛ نتیجه تسلیم شدن، خر و گاو شدن است؛ رژیم پهلوی و رژیم سعودی دو نمونه آشکار دولت‌هایی هستند که هم تسلیم غرب و استکبار شدند و به آنان باج می‌دادند و از آنان حمایت می‌کردند هم تحقیر شده و سواری دادند و گاوشیرده نامیده شدند (ر.ک: همان، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴).

برخی از طرفداران سازش و تسلیم با دوگانه‌های خودساخته مانند دیپلماسی و میدان، معیشت و امنیت، موشک و مردم و دوگانه جنگ و صلح، در پی تضعیف مقاومت و پشتوانه‌های آن هستند؛ این افراد یا طعم ذلت را نچشیده‌اند و در حمایت اسلام و مسلمانان عزیز بوده‌اند و به قول معروف نفسشان از جای گرم و نرم بلند شده است یا طعم عزت را نچشیده‌اند و همواره غلام حلقه‌به‌گوش اربابان متفرق دور از معنویت بوده‌اند و خود را منافقانه در جامعه اسلامی جای داده‌اند و شبانگهان در آغوش کافران قرار می‌گیرند: «وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَ إِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤْنَ.» (بقره، ۱۴)؛ این افراد مردم از کمک به جبهه مقاومت باز می‌دارند: «هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا.» (منافقان، ۷) و تهدید به اخراج از کار و دیار می‌کنند: «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ.» (منافقان، ۸).

مقاومت نکردن در برابر دشمنان بی‌هزینه نیست، چه بسیار عقب‌نشینی‌هایی که شرافرین بوده‌اند: «وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ» (بقره، ۲۱۶) آیا با تسلیم، دنبال عزت هستید، عزت که پیش خداست نه دشمنان او؛ «أَيُّبَتُغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء، ۱۳۹) چه بسیار مردمی که عزت را از غیر خدا خواستند و ذلیل شدند: «فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُمْ - يَا إِلَهِي - مِنْ أَنَاسٍ طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَيْرِكَ فَذَلُّوا.» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۸) هزینه تسلیم، ذلت است؛ «مگر ذلت هزینه ندارد؟ الآن شما ببینید افسر امریکایی دست زنی افسر بعثی را می‌گیرد و با خودش می‌برد؛ ولی بعثی عراقی جرأت نمی‌کند حرف بزند! ذلت از این بالاتر؟ هم ذلیل شده‌اند و هم هزینه‌اش را می‌پردازند.

ارتشی که در مقابل دشمن مقابله نمی‌کند، نتیجه‌اش این است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵)؛ انقلاب اسلامی با مقاومت برابر رژیم پهلوی توانست برای همه مردم عزّت بیافریند در حالی که در زمان طاغوت فقط بخشی از مردم در رفاه و عزّت بودند بنابراین هزینه تسلیم در برابر طاغوت زیاد و سنگین است (همان، ۱۳۸۰/۰۸/۲۰).

تسلیم در برابر دشمن عوامل زیادی دارد از جمله: بخل، رفاه‌طلبی، مشکلات شخصی و ترس؛ انسان‌های دارای چنین صفاتی مردم را از جنگ باز می‌دارند و به برادران خود می‌گفتند: بسوی ما بیایید -و خود را از معرکه بیرون کشید- (احزاب، ۱۸) از نظر قرآن، انگیزه این ترک جهاد و کارشکنی، بخل است: «أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ؛ آنان نسبت به شما بخیلند» (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۲۳۵) اگر هم هزینه کنند، مقدار کمی است که آن هم برای خدا نیست بلکه از ترس سرزنش و ملامت مردم و برای تظاهر و ریاکاری است، چرا که اگر برای خدا بود حدّ و مرزی نداشت و تا پای جان در این میدان ایستاده بودند. (همان: ۲۳۹) مشکلات فردی و جمعی نیز گاهی پای انسان را می‌لرزاند و مقاومت او را می‌شکند؛ برای نمونه برخی از افرادی که در جنبش‌های دانشجویی فعالیت انقلابی داشتند «دربره-هایی، رفتاری‌های زندگی و انگیزه‌های مختلف، ثبات قدم را از این‌ها گرفت در نتیجه از افتخارات زیادی باز ماندند». (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴).

افرادی که حاضر نیستند هزینه‌ی کم مقاومت را بپردازند «مثل کسانی هستند که در تابستان روزه گرفته‌اند و تا اواخر روز، روزه را حفظ می‌کنند، اما یک ساعت به غروب، دو ساعت به غروب طاقتشان تمام می‌شود؛ افطار می‌کنند. این مثل همان کسی است که از اول روز، روزه نگرفته است. باطل کردن روزه در هر زمانی از ساعات روز باشد، ابطال روزه است. در راه انقلاب اگر ثبات قدم وجود نداشت، اگر پیوستگی حرکت وجود نداشت، انسان رابطه‌اش با انقلاب قطع می‌شود». (همان، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴).

هزینه تسلیم برای سازشکاران، عدم حمایت در دنیا و آخرت است: قرآن درباره دنیایشان می‌فرماید: «اگر آنها را بیرون کنند با آنان بیرون نمی‌روند و اگر با آنها پیکار شود یاریشان نخواهند کرد و اگر یاریشان کنند پشت به میدان کرده فرار می‌کنند؛ سپس کسی آنان را یاری نمی‌کند» (حشر، ۱۲) امروز نیز مستکبرانی مانند آمریکا با شعارهای گوناگونی مانند ایجاد امنیّت، دموکراسی، مبارزه با تروریسم وارد کشورهای منطقه و حتی کشورهای دیگر می‌شوند ولی خود ایجاد کننده‌ی ناامنی و دیکتاتوری و ترور هستند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵).

درباره آخرتشان می‌فرماید: «ضعیفان به مستکبران می‌گویند ما دنبال کنندگان شما بودیم آیا شما حاضرید سهمی از عذاب ما را به گردن بگیرید؟ آنان هم پاسخ می‌دهند: که خیر راه گریزی نیست» (ابراهیم، ۲۱) مستضعفان می‌گویند: شما بودید که شب و روز به ما دستور می‌دادید که راه کج برویم اگر شما نبودید، ما ایمان می‌آوردیم؛ مستکبران هم می‌گویند: مگر ما راه هدایت را بر شما بسته بودیم که ایمان نیاوردید (سبأ، ۳۱-۳۳) چنین افرادی هدایت طاغوت را بر هدایت الله ترجیح می‌دادند (نساء، ۵۱) امروز نیز کسانی هستند - حتی مهر در جیب و تسبیح به دست ولی پيرو طاغوت هستند (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۰۱/۲۶) - که به بهانه‌های گوناگون طرفدار طاغوت‌هایی مانند رژیم پهلوی و آمریکا و همدستان او هستند و پیشرفت و هدایت را فقط در سازش، تعامل، وابستگی و پیروی از آنان می‌بینند (همان، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) و راه حل مشکلات را زانو زدن در برابر دشمنان می‌دانند (همان).

۴- اثر مقاومت بر عقب‌نشینی دشمنان

امام خامنه‌ای واقعیت «عقب‌نشینی دشمن در مقابل مقاومت و ایستادگی» را یکی دیگر از اجزاء منطق و اندیشه مقاومت و از آثار خاص آن (پیروزی بر دشمنان بیرونی) می‌دانند: «مقاومت موجب عقب‌نشینی دشمن می‌شود، بر خلاف تسلیم. وقتی که دشمن به شما زور می‌گوید، اگر شما یک قدم به عقب برداشتید، او جلو می‌آید؛ بدون تردید. راه اینکه او جلو نیاید، این است که شما بایستید. ایستادگی و مقاومت کردن در مقابل زیاده‌خواهی دشمن و زورگیری دشمن و باج‌خواهی دشمن، راه جلوگیری از پیش آمدن او است؛ پس صرفه با مقاومت است. خود ما هم همین جوری هستیم و تجربه‌ی خود ما در جمهوری اسلامی همین را نشان می‌دهد... هر جا ما ایستادگی کردیم و مقاومت کردیم، توانستیم پیش برویم؛ هر جا تسلیم شدیم و طبق میل طرف مقابل حرکت کردیم، ضربه خوردیم. مثال‌های واضحی وجود دارد و افراد هوشمند و مطلع می‌توانند مثال‌هایش را در زندگی چهل ساله‌ی جمهوری اسلامی به راحتی پیدا کنند. این هم یک بخش دیگری از این منطق.» (همان، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴).

۴-۱- عقب‌نشینی دشمن با مقاومت

موافقان مقاومت معتقدند که با خودسازی و استحکام درونی می‌توان سدی محکم برابر دمن ساخت که توانایی نفوذ نداشته باشد بلکه با سیلی محکمی عقب رانده شود؛ امام خامنه‌ای در مورد تأثیر مقاومت فرمود: «بدانید هیچ ملتی جز به وسیله‌ی ایستادگی و مبارزه نمی‌تواند شرف خود و هویت خود و استقلال خود را به دست آورد. به هیچ ملتی، دشمن با التماس چیزی نخواهد داد» (همان، ۱۳۷۹/۰۷/۲۹) مقاومت در برابر دشمنان تنها در جنگ

نظامی نیست بلکه در عرصه‌های دیگر مانند فرهنگی نیز باید مقاومت کرد زیرا «بدترین مشکل یک کشور این است که تمدن و هویت خود را فراموش کند.» (همان، ۱۳۸۱/۰۷/۰۳).

دشمنان چنان فرهنگ‌سازی می‌کند که ملت‌ها نتوانند در برابر آن‌ها مقاومت کنند «فرهنگ وابستگی علمی و عملی به غرب و بزرگ انگاشتن غرب؛ به طوری که اصلاً نمی‌شود به سایه‌ی او رسید؛ چه برسد که به خود او رسید و اصلاً او را عقب گذاشت؛ انقلاب آمد این فرهنگ را کنار زد.» (همان، ۱۳۸۱/۰۷/۰۳) پس از کنار زدن فرهنگ دشمن، باید فرهنگ ناب خود را جایگزین کنیم «ما باید امروز درصدد ساختن تمدن خود باشیم و باور کنیم که این ممکن است؛ در تبلیغات گذشته‌ی این کشور در خصوص ناتوانی ایرانی و توانایی غربی‌ها آن‌قدر مبالغه شده که امروز اگر کسی بگوید ما کاری کنیم که غربی‌ها به علم ما احتیاج پیدا کنند، می‌بینید که در دل‌ها یک حالت ناباوری به وجود می‌آید؛ مگر چنین چیزی ممکن است؟ بله؛ من عرض می‌کنم می‌شود. شما همت کنید پنجاه سال دیگر این طوری شود؛ ما می‌توانیم این را تصور کنیم که یک روز ایران تولیدکننده‌ی خلاق علم — بلکه فرآورده‌های علمی — شود.» (همان، ۱۳۸۱/۰۷/۰۳).

امام علی علیه السلام به عنوان الگوی مقاومت برای جبهه مقاومت می‌فرماید: «لَوْ تَظَاهَرَ الْعَرَبُ عَلَيَّ قِتَالِي لَمَّا وَلَّيْتُ عَنْهَا وَلَوْ أُمَكَّنْتُ الْفُرْصَةَ مِنْ رِقَابِهَا لَسَارَعْتُ إِلَيْهَا.» (نهج البلاغه، نامه ۴۵) اگر همه‌ی عرب (دشمنان) به پشتیبانی هم برای جنگ با من به میدان آیند هرگز عقب‌نشینی نمی‌کنم و اگر فرصت پیدا کنم که گردنشان را بزنم، شتاب می‌کنم؛ در تأثیر مبارزه و مقاومت فرمودند: «نَحْنُ أَقْمَنُ عُمُودَ الْحَقِّ وَ هَزَمْنَا جُيُوشَ الْبَاطِلِ» (آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۰) ما ستون دین را به پا کردیم و لشکر دشمن را عقب راندیم؛ امام سجاد علیه السلام مقاومت مرزبانان را سبب عقب‌نشینی دشمنان و فرار دشمنان را از اهداف مبارزه می‌داند: «وَبَعْدَ أَنْ يُؤَلَّى عِدُوكَ مُدْبِرِينَ.» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۷)

نه تنها مقاومت جمعی اثرگذار است بلکه مقاومت فردی در برابر دشمنان نیز اثر دارد برای نمونه امام علی علیه السلام در جنگ احزاب با ایستادن در برابر عمر بن عبدود به تنهایی سبب عقب‌نشینی دشمنان شد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۲: ۸۳)؛ امام خامنه‌ای در این باره فرمود: «انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود.» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)؛ بنابراین این پیش‌گویی قرآن است که دشمنان اسلام با

مقاومت مؤمنان، عقب رانده می‌شوند «سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ» (قمر، ۴۵) جمعشان به زودی شکست می‌خورد و فرار می‌کنند.

۴-۲- پیشروی دشمن با تسلیم

مخالفان مقاومت در برابر دشمنان، مقاومت را سبب تحریم و ترور و در نتیجه شکست می‌دانند و از این رو به جبهه مقاومت توصیه می‌کنند تا با طرح صلح و سازش و تعامل، مانع دشمن، تحریم، تهدید و پیشروی او شوند. چنین افرادی، فرصت خودسازی جسمی و روحی خود را از دست می‌دهند و رو به رفاه‌طلبی و سستی می‌آورند و با خوش‌خیالی نسبت به دشمنان، زمینه‌ی ریزش و نابودی خود را فراهم می‌کنند؛ امام خامنه‌ای در این باره فرمود: «مشکل بناهایی که فرومی‌ریزد، این است که نمی‌توانند خودشان را نگه دارند و آلا تندباد که دائمی نیست. اگر یک ملتی زانوان خودش را محکم کرد، قدرت ایستادگی به خودش داد، ثبات قدم خودش را تقویت کرد، از این تندبادها و این طوفانها کاری برنمی‌آید؛ می‌آیند و می‌روند؛ آن‌ها می‌روند، این ملت می‌ماند.» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۱/۲۲).

قرآن کریم به مؤمنان هشدار می‌دهد که اگر تسلیم و مطیع دشمنان شدید، شکست خواهید خورد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرْدُوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ» (آل عمران، ۱۴۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از کسانی که کافر شده‌اند، اطاعت کنید شما را به عقب باز می‌گردانند و سرانجام زیانکار خواهید شد؛ غضب خدا، جهنم و جایگاه بد از آثار عقب‌نشینی در برابر دشمنان است (انفال، ۱۶۶)؛ دشمنان نه تنها منتظر عقب‌نشینی شما، بلکه منتظر کوچک‌ترین غفلت شما هستند تا شما را به قتل برسانند: «...وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً...» (نساء، ۱۰۲) کافران آرزو دارند که شما از سلاح‌ها و متاع‌های خود غافل شوید و یکباره به شما هجوم آورند؛ دیادوستی و پول‌خواهی از عوامل سستی مؤمنان و فرار از میدان جهاد است که باید با فراموشی و بی‌توجهی به دنیا و رغبت به زیبایی‌های آخرت اصلاح شود: «... حَتَّىٰ لَا يَهْمَ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِدْبَارِ وَلَا يُحَدِّثَ نَفْسُهُ عَنْ قَرْنِهِ بَفِرَارٍ» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۷).

قوم بنی‌اسرائیل از روحیه مقاومت بی‌بهره و دارای روحیه عقب‌نشینی بودند؛ آنان از مواجهه با مجرمان ترس داشتند و رهبر خود را پیشقدم می‌کردند؛ امروز نیز کسانی هستند که منتظرند نیروهای مقاومت به مصاف دشمن

بروند؛ آنان تحت تأثیر رژیم فرعون به باور «ما نمی‌توانیم» رسیده بودند و دچار سستی شده بودند از این رو هنگام مواجهه با دشمن می‌گفتند: «يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنَ نَدْخُلُهَا حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ» (مائده، ۲۲)؛ ای موسی! تو که میدانی در این سرزمین جمعیتی جبار و زورمند زندگی می‌کنند و ما هرگز در آن گام نخواهیم گذاشت تا آنها این سرزمین را تخلیه کرده و بیرون روند، هنگامی که آنها خارج شوند ما فرمان تو را اطاعت خواهیم کرد و در این سرزمین مقدس گام خواهیم گذاشت؛ این باور چنان در آنان اثر گذاشته بود که با تشویق و وعده نیروهای مقاومت به غلبه و پیروزی، باز هم تأکید کردند که ما با دشمن رو به رو نمی‌شویم: «يَا مُوسَى إِنَّا لَنَ نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» (همان، ۲۴) ما تا آنها در این سرزمین هرگز و ابد وارد آن نخواهیم شد تو و پروردگارت که به تو وعده پیروزی داده است بروید و با عمالقه بجنگید هنگامی که پیروز شدید به ما خبر دهید، ما در اینجا نشسته‌ایم؛ بنابراین آنان تا چهل سال سرگردان بیابان‌ها شدند و از پیشرفت و آبادانی محروم شدند تا بسا نسلی جهادی و مقاوم تربیت یابند و بتوانند در برابر دشمنان مقاومت کنند (مکارم، ۱۳۷۴ ش، ج ۴: ۳۴۴).

۵- نتیجه‌بخش بودن (مفید بودن) مقاومت

مقاومت از جهت نتیجه دو گونه است: مقاومت پیروزکننده و شکست‌دهنده؛ نتیجه‌ی مقاومت در راه خدا، پیروزی و نتیجه‌ی مقاومت در راه طاغوت، شکست است؛ این مطلب در آیات و روایات بسیاری بیان شده است که در ادامه برخی از آنها را در هر دو گونه برمی‌رسیم.

۵-۱- مقاومت پیروزمندانه موحدان و موحّدانه

رابطه مقاومت و حکمرانی، رابطه مقدمه و نتیجه است؛ امام خامنه‌ای می‌فرماید: «اگر مقاومت کردید، آن وقت قلّه را فتح خواهید کرد... قلّه حاکمیت دین خدا، حاکمیت حق، حاکمیت عدل،... به قلّه‌ی رسیدن به مقصود و غرض از خلقت انسانی است: تکامل انسان و کمال بشری.» (همان، ۱۴۰۲/۰۶/۱۵)؛ آیات فراوانی در قرآن وجود دارد که به جبهه حق و مقاومت، وعده پیروزی می‌دهند و تأکید می‌کنند که جبهه حق ممکن است قربانی بدهد، اما شکست نخواهد خورد. از جمله: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ.» (فصلت، ۳۰) به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است! سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به

آن بهشتی که به شما وعده داده شده است و «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (احقاف، ۱۳) کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند؛ حتی اگر جنیان هم بر راه حق استقامت کنند، از پیروزی بهره‌مند می‌شوند: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن، ۱۶) و اینکه اگر آنها [جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرایشان می‌کنیم.

حضرت موسی و هارون عليه السلام به علت مقاومت برابر فرعون پیروز شدند و به برتری رسیدند؛ «وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ» (صافات، ۱۱۶) ما آنها (موسی و هارون و بنی اسرائیل) را یاری کردیم تا آنها بر دشمنان نیرومند خود پیروز شدند؛ برای رسیدن به برتری، یاری خدا را نیازمندیم؛ «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل عمران، ص ۱۶۰) اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد! و اگر دست از یاری شما بردارد، کیست که بعد از او، شما را یاری کند؟! و مؤمنان، تنها بر خداوند باید توکل کنند» پس با دشمنان بجنگید و مقاومت کنید تا خدا بر آنان یاریتوان کند و دل‌های مؤمنان بدین سبب شفا یابد؛ «قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ» (توبه، ۱۴) با آنها پیکار کنید، که خداوند آنان را به دست شما مجازات می‌کند؛ و آنان را رسوا می‌سازد؛ و سینه‌گروهی از مؤمنان را شفا می‌بخشد.

در روایات نیز، نتیجه‌ی مقاومت و واژه‌های میدانی او مانند صبر و ثبات، پیروزی اعلام شده است؛ امیرالمؤمنین عليه السلام می‌فرماید: «اصْبِرْ تَظْفَرُ» یا «اصْبِرْ تَلْ» (آمدی، همان: ۲۸۳) صبر کن، پیروز می‌شوی یا به آنچه می‌خواهی، دست می‌یابی؛ «مَنْ صَبَرَ نَالَ الْمُنَى» (همان: ۲۸۵) کسی که صبر کن به آرزویش می‌رسد؛ سلطنت و حکومت - الهی، بر قرار است، رفتنی نیست: «وَسُلْطَانُكَ ثَابِتٌ لَا يَزُولُ» (صحیفه سجاده، دعای ۴۶)؛ اقامه آرمانی‌های عدالت‌های محور، سبب پایداری حکومت خواهد شد: «ثَبَاتُ الدُّوَلِ بِإِقَامَةِ سُنَنِ الْعَدْلِ» (آمدی، همان: ۳۴۰).

امام خامنه‌ای بر مبنای آیات و روایات، بارها بر نتیجه‌ی پیروزی‌بخش مقاومت تأکید کرده‌اند برای نمونه: «اگر مبارزه کردید، اگر ایستادید، اگر صبر و ثبات خودتان را از دست ندادید، شما پیروزید؛ اما اگر رها کردید، احساس ضعف کردید، احساس نومیدی کردید، عقب‌گرد کردید، نه.» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۰/۰۴)؛ ایشان با بیان آیه (انعام: ۴۵) ذکر خدا را وسیله و مقدمه مقاومت در عرصه‌های گوناگون مقاومت درونی (روحی) و بیرونی (فیزیکی)

دانسته که سبب پیروزی می‌شود: «در میدان جهاد وقتی در مقابل تهاجم دشمن قرار گرفتید، ایستادگی کنید و ذکر کثیر خدا بکنید، ثبات قدم به خرج بدهید، ایستادگی کنید و ذکر خدا کنید. این ذکر خدا آنجا هم به درد می‌خورد. لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ، که این وسیله‌ای است برای اینکه شما به فلاح و کامیابی دست پیدا کنید» (همان، ۱۳۸۶/۰۶/۳۱).

مقاومت جمعی دو جهت و منفعت کلی دارد: مقاومت در برابر جمع دشمنان (ضربه به منافع دشمنان یا دفع ضربه دشمنان) و مقاومت بر جمع دوستان (حفظ منافع دوستان)؛ دشمنان برای منافع خود مانند قدرت و ثروت و شهوت و حکومت با ما مبارزه می‌کنند و ما مقابل آنان مقاومت می‌کنیم و بر دوستان برای منافع آن‌ها مانند حفظ ایمان و عاقبت به خیری و سلامت اجتماعی مقاومت می‌کنیم؛ منافع انسان نیز در سایه تحقق این مقاومت به دست خواهد آمد؛ برخی از منافع مقاومت در سه آیه استقامتی قرآن عبارتند از: فرودگاه فرشتگان شدن، نترسی و اندوهگین نبودن و زندگی بهشتی (فصلت، ۳۰)؛ نداشتن ترس و اندوه (احقاف، ۱۳) برکات مادی و معنوی زیر سایه ایمان و تقوا (ر.ک: جن، ۱۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۵، ص ۱۲۲).

۵-۲- مقاومت شکست‌خورده مشکران و مشرکانه

مشرکان با کشتار و ترور فرماندهان و سپاهیان و مردم یا تخریب و غصب خانه‌ها و زمین‌ها، گمان می‌کنند که به پیروزی رسیده‌اند در حالی که پیروزی واقعی در بستر زمان رقم می‌خورد که آن هم با صالحان و مؤمنان است؛ پایان مؤمنان، «إِحْدَى الْحُسَيْنِ» است (توبه، ۵۲) و پایان کافران، خواری در دنیا و عذاب در آخرت است (بقره، ۱۱۴؛ مائده، ۳۳ و ۴۱؛ زمر، ۲۶؛ حشر، ۱۷)؛ امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم چنین فرمودند: مقاومت ضد استکباری، ضمن اینکه بدون هزینه نیست، نتیجه‌بخش است و نتیجه‌ی آن، «شکست نقشه‌ها و سیاست‌های دشمنان»، «گسترش حضور قدرتمندانه‌ی اسلام در عرصه‌های جهانی» و «پیروزی نهایی» است (همان، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)؛ برخی در مقابل دین اسلام و نظام اسلامی مقاومت می‌کنند و تلاش می‌کنند تا آن را سرنگون کنند، آیات و روایات، مقاومت آنان را شکست‌خورده می‌داند؛ امام خامنه‌ای نیز بارها به شکست‌های محاسباتی دشمنان توجه داده‌اند و به زیبایی، نقشه‌های آنان را تحلیل کرده‌اند.

چند دسته از آیات قرآن عبارتند از: دسته آیات بیانگر سرگذشت و عبرت‌گیری از گذشته مانند فرعونیان و نمرودیان و مشرکان و کافران و منافقان را ذکر کرده است که بیشتر با جمله‌های «فَانظُرْ...» یا «فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ...» (آل عمران، ۱۳۷؛ انعام، ۱۱؛ اعراف، ۸۴ و ۸۶ و ۱۰۳؛ یونس، ۳۹ و ۷۳؛ نمل، ۵۱؛ محمد، ۱۰) نشان

داده شده است؛ دسته دیگر آیات بیانگر انتظار دو طرفه برای دیدن نتیجه است؛ مانند «انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ؛ شما منتظر باشید ما هم منتظریم.» (انعام، ۱۵۸؛ هود، ۱۲۲؛ سجده، ۳۰)؛ «اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتْ الْخَيْرَةُ لِيْ عِنْدَكَ فِى تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِيْ وَ تَرْكِ الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمْنِيْ إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ وَ مَجْمَعِ الْخَصَمِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَيْدِنِيْ مِنْكَ بَنِيَّةً صَادِقَةً وَ صَبْرٍ دَائِمًا.» (صحیفه سجادیه، دعای ۱۴) کوتاه سخن این است که وعده انتقام چه در دنیا باشد یا آخرت، من از صبر و مقاومت دست برنمی‌دارم چون بالاخره انتقام ما گرفته می‌شود.

دسته دیگر، آیات بیانگر فراموشی، عود (بازگشت به جنگ)، کید و مکر (آل عمران، ۵۴) و بدی و نیرنگ و انحراف دشمنان است که با پاتک (ضد حمله) الهی روبه‌رو شده و شکست می‌خورد؛ مانند: «تَسُوا اللَّهَ فَنَسِيْهُمْ.» (توبه، ۶۷) خدا را فراموش کردند، خدا هم آنان را فراموش کرد؛ کسانی که خدا را ترک کنند و به فکر روز قیامت نباشند - و بدین سبب ظلم کنند - در پایان فراموش و عذاب می‌شوند (سجده، ۱۴)؛ «وَ إِنْ تَعُودُوا نَعُدْ.» (انفال، ۱۹) اگر - به مبارزه با اسلام - برگردید، ما هم - به مقاومت برابر شما - برمی‌گردیم (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۸۱۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۲۸۸) و نیروهای مقاومت را بر شما مسلط می‌کنیم (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵: ۴۶۹)؛ «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا وَ أَكِيدُ كَيْدًا.» (طارق، ۱۵ و ۱۶) آنها پیوسته حيله کرده و نقشه می‌ریزند و من نیز در برابر آنان حيله می‌کنم و نقشه‌هایشان را به هم می‌ریزم «وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا.» (شوری، ۴۰) کیفر بدی، مجازاتی مانند آن است؛ «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَادِعُهُمْ.» (نساء، ۱۴۲) به خدا نیرنگ زدند در حالی که او به آنان ترفند می‌زند؛ «فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ.» (صف، ۵) وقتی از حق منحرف شدند، خدا قلوبشان را منحرف کرد. روایات نیز به شکست دشمنان در تهاجم به جبهه مقاومت اشاره دارند؛ برای نمونه کسی که مردم را در دینشان فریب دهد، با خدا و رسولش دشمنی کرده است: «مَنْ غَشَّ النَّاسَ فِي دِينِهِمْ فَهُوَ مُعَانِدٌ لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ.» (آمدی، همان: ۸۶)؛ نتیجه دشمنی او گرفتاری اقتصادی یا خانوادگی و ... است: «فَإِنَّ مَنْ غَشَّ غُشًّا...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۱۶۰) کسی که فریب را پیشه خود سازد، گرفتار فریب اقتصادی یا خانوادگی خواهد شد.

امام خامنه‌ای در امتداد آیات و روایت این است: «... گفتم دوران بزن و دررو تمام شده؛ این جور نیست که شما بگویند می‌زنیم و درمی‌رویم؛ نخیر، پاهایتان گیر خواهد افتاد و ما دنبال می‌کنیم. این جور نیست که ملت ایران رها کند کسی را که بخواهد به ملت ایران تعرضی بکند؛ ما دنبال خواهیم کرد.» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶) و «در قضیه‌ی مقاومت، آمریکایی‌ها تصمیم گرفتند ریشه‌ی مقاومت را در غرب آسیا بکنند، مطمئن هم بودند که این کار

را خواهند کرد؛ ما ایستادیم، ما گفتیم نمی‌گذاریم. امروز برای همه‌ی دنیا ثابت شده است که او می‌خواست و نتوانست و ما خواستیم و توانستیم؛ این را همه در دنیا فهمیده‌اند.» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۱۱/۱۹)؛ آنان که مانع راه خدا می‌شوند (برابر راه خدا مقاومت می‌کنند)، مغلوبند (انفال، ۳۶) و عاقبت برای اهل مقاومت و تقواست: «فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ» (هود، ۴۹).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این نوشته نتایج زیر با تکیه بر آیات و روایات بدست آمد؛

عنصر	گزارش
امکان مقاومت	مقاومت امری ممکن است زیرا هیچ‌چیزی برای همت‌های بلند و هدف‌های بزرگ که رسیدن به خداست، برای انسان ناممکن نیست.
طبیعت مقاومت	مقاومت، واکنش طبیعی هر ملت آزاده و باشرافی است؛ زیرا فطرت انسان ظلم‌ناپذیر و استقلال‌طلب است.
هزینه مقاومت	هزینه سازش به مراتب بیشتر از هزینه مقاومت است؛ زیرا دشمنان نظام اسلامی به دنبال منافع انسان‌محور خود هستند و با منافع و منابع و مبانی توحیدمحور بله انسان و انسانیت مبارزه خواهند کرد.
تأثیر مقاومت	تأثیر مقاومت عقب‌نشینی دشمنان است؛ زیرا دشمنان به خاطر عدم اعتقاد به خدا بدون پشتوانه هستند.
نتیجه مقاومت	نتیجه مقاومت پیروزی نهایی است؛ زیرا مقاومت برای خداست؛ خدا هم پشتیبان و یاری‌کننده مؤمنان است و همه چیز به او بر می‌گردد.

جدول (۲). جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- صحیفه سجادیه، ترجمه فاطمه احمدی.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق)، «عیون أخبار الرضا علیه السلام»، نشر جهان، تهران، چاپ اول.

- ۵) ابن بابویه (صدوق اول: پدر شیخ صدوق)، علی بن حسن، (۱۴۰۴ق)، «الإمامة و التبصرة من الحيرة»، نشر مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، چاپ یکم.
- ۶) ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق)، «تحف العقول عن آل الرسول ﷺ»، مصحح: علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم.
- ۷) ابن شهرآشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، «مناقب آل أبی طالب ﷺ»، نشر علامه، قم، چاپ یکم.
- ۸) ابن شهرآشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۶۹ق)، «متشابه القرآن و مختلفه»، نشر دار بیدار للنشر، قم، چاپ یکم.
- ۹) ابن فارس، احمد ابن فارس، (۱۴۰۴ق)، «مقایس اللغة»، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، چاپ یکم.
- ۱۰) اعرابی، غلامحسین، (۱۳۹۹)، «مبانی قرآنی و روایی مقاومت در کلام مقام معظم رهبری مد ظله العالی»، علوم قرآن و حدیث، سال دوم، شماره یک، پیاپی ۳، ص ۱۴۶ تا ۱۶۴.
- ۱۱) افتخاری، اصغر، (۱۴۰۰)، «مقاومت در اسلام؛ نظریه و الگو»، نشر مؤسسه اندیشه‌سازان نور، تهران، چاپ دوم.
- ۱۲) تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، «تصنیف غرر الحکم و درر الکلم»، مصحح: مصطفی درایتی، دفتر تبلیغات، قم، چاپ یکم.
- ۱۳) حسین زاده راد، کاوه، (۱۳۸۸)، «آیا مقاومت در برابر قدرت امکان‌پذیر است؟»، علوم سیاسی، شماره ۸، ص ۱۱۹ تا ۱۲۸.
- ۱۴) حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق)، «تاج العروس من جواهر القاموس»، بیروت، چاپ یکم.
- ۱۵) دهخدا، علی اکبر و دیگران، (۱۳۹۰)، «لغت نامه دهخدا»، دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۶) طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، محقق: محمد جواد بلاغی، ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم.
- ۱۷) طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۰ق)، «إعلام الوری بأعلام الهدی»، اسلامیه، تهران، چاپ سوم.

۱۸) طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵)، «مجمع البحرين»، مصصح: احمد حسینی اشکوری، مرتضوی، تهران، چاپ سوم.

۱۹) طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۱ ق)، «مصباح المتهجد و سلاح المتعبد»، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، چاپ: اول.

۲۰) طبیب، سید عبدالحسن، (۱۳۷۸)، «اطیب البیان فی تفسیر القرآن»، اسلام، تهران، چاپ دوم.

۲۱) فخررازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق)، «مفاتیح الغیب»، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.

۲۲) فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۱۵ ق)، «تفسیر الصافی»، محقق: حسین اعلمی، مکتبه الصدر، تهران، چاپ دوم.

۲۳) کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، «الکافی»، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.

۲۴) مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، (۱۴۰۹ ق)، «ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین»، انتشارات اسلامی، قم، چاپ یکم.

۲۵) مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ یکم.

۲۶) مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق)، «الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد»، مصصح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، نشر کنگره شیخ مفید، قم، چاپ یکم.

۲۷) مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق)، «المقنعه»، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، چاپ یکم.

۲۸) مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، «تفسیر نمونه»، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول.

۲۹) منتظری، حسینعلی، (۱۳۶۹)، «مقاومت در راه هدف»، پاسدار اسلام، سال ششم، ص ۱۸ تا ۲۶.

۳۰) میرفادری، سید فضل الله و کیانی، حسین، (۱۳۹۱)، «بن مایه های ادبیات مقاومت در قرآن»، دو فصلنامه ادبیات دینی، شماره اول، ص ۶۹ تا ۹۷.

(۱) جوادى آملی، عبدالله، (۱۳۹۸)، «تفسیر سوره انشراح، ۱۳۹۸/۲/۲۴»، پایگاه اسراء،
<https://javadi.esra.ir>

(۲) جهان شیمی، مقالات عمومی، عنصر چیست؟ (بی‌تا)، «ویژگی‌ها و تعریف عنصر»، کد ۶۶۶۳،
<https://www.jahanshimi.com/6663>

(۳) خامنه‌ای، سید علی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <https://www.leader.ir/fa> و
پایگاه دفتر حفظ نشر آثار حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir>

(۴) سعیدی، سید محمد، (۱۴۰۲)، «هزینه مقاومت کمتر و شرافت‌مندانه‌تر از هزینه تسلیم است»، پایگاه
ایسنا، <https://www.isna.ir/news/1402022918544>

(۵) سیف، اله مراد، (۱۳۹۷)، «هزینه مقاومت و هزینه سازش»، پایگاه اله مراد سیف،
<https://amseif.ir/?p=3072>

(۶) لانگر، رابرت، (بی‌تا)، «عناصر و ترکیبات»، پایگاه ای‌کیمیکالز،
<https://echemicals.ir/elements-and-compounds>